

فضاسازی و راهبردهای آن در ترجمه از انگلیسی به فارسی بر مبنای نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه (۱۹۹۸)

سیده فاطمه هاشمی^۱، سیده فاطمه علوی^{۲*}، فاطمه کرم‌پور^۳
۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور
۲. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور
۳. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور
دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

Space-building and its Strategies in Translation from English to Persian Based on Fauconnier's Mental Spaces Theory (1998)

Seyedeh Fatemeh Hashemi¹, Seyedeh Fatemeh Alavi^{2*}, Fatemeh Karampour³
1. M.A. in General Linguistics, Payame Noor University (PNU)
2. Assistant Professor of General Linguistics, Payame Noor University (PNU)
3. Assistant Professor of General Linguistics, Payame Noor University (PNU)

Received: 2020/05/04

Accepted: 2020/07/10

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the manner of space-building and how space is transmitted during the process of translation from English to Persian based on Fauconnier's (1998) mental spaces theory. This paper aims to evaluate the role and frequency of space-builders in the formation of mental spaces and the degree of alignment of mental spaces with the audience of two languages. The role of contextual and pragmatics factors, and translator influences in conveying homogeneous spaces is another issue that has been addressed in this study. The research data set contains 100 sentences of two novels, *The Kite Runner* (Hosseini, 2003) and *The Old Man and the Sea* (Hemingway, 1990) and the equivalent translation of these two works (Ghabraei, 1396; Daryabandari, 1385) which are compared and assessed in a descriptive-analytic study. The findings indicate that the most frequency of space-builders belong to prepositional phrases and adverbial elements and despite of some differences in the type and number of space-builders in two language sentences, the establishment of spaces is almost identical. The role of contextual and pragmatic factors was also important in disambiguating some words, in correct text translation and in the transmission of mental space details.

Keywords: Linguistics, Fauconnier's theory, Mental spaces, Space-builders, Translation, Pragmatic and contextual factors, Sociolinguistics.

چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی نحوه فضاسازی و چگونگی انتقال فضا طی فرایند ترجمه از انگلیسی به فارسی با تکیه بر نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه (۱۹۹۸) است. این مقاله بر آنست که نقش و بسامد عناصر فضاساز در تشکیل فضاهای ذهنی و میزان همسویی فضاهای ذهنی نزد مخاطبان دو زبان را ارزیابی نماید. نقش عوامل بافتی، کاربردشناختی و تأثیر مترجم در انتقال فضاهایی همسان از دیگر مواردیست که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. پیکره داده‌های پژوهش مشتمل بر ۱۰۰ جمله از دو رمان *بادبادک‌باز* (حسینی، ۲۰۰۳) و *پیرمرد و دریا* (همینگوی، ۱۹۹۰) و معادل فارسی این دو اثر (غبرائی، ۱۳۹۶؛ دریابندری، ۱۳۸۵) است که با یکدیگر مقایسه و به صورت توصیفی تحلیلی ارزیابی گردیده‌اند. یافته‌های پژوهش گویای آنست که بیشترین بسامد عناصر فضاساز به گروه‌های حرف اضافه و عناصر قیدی اختصاص دارد و علی‌رغم برخی تفاوت‌ها در نوع و تعداد فضاسازهای دو زبان، فضاسازی به صورت تقریباً همسان صورت می‌پذیرد. نقش عوامل بافتی و کاربردشناسی نیز از طریق ابهام‌زدایی از برخی واژه‌ها، در ترجمه صحیح متن و انتقال جزئیات فضای ذهنی، مهم ارزیابی گردید.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، نظریه فوکونیه، فضاهای ذهنی، فضاسازها، ترجمه، عوامل بافتی و کاربردشناختی، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

زبان، بخشی جدانشدنی از فرهنگ، تمدن و اندیشه بشری و پدیده‌ایست که زمینه‌ساز بیان احساسات، افکار و عقاید می‌شود؛ اما هنگامی که سخن از ارتباط دو زبان یا جامعه زبانی متفاوت به میان می‌آید، نحوه برقراری ارتباط و همچنین انتقال اندیشه‌ها، عقاید و مفاهیم فرهنگی بین دو جامعه زبانی با مشکل مواجه می‌شود. در این‌گونه موارد، آنچه ارتباط میان دو زبان و عبور از مرزهای فرهنگی و زبانی را ممکن می‌سازد و نقش میانجی را بین دو جامعه زبانی ایفا می‌کند، فرایند ترجمه است. امروزه با توسعه جوامع بشری و نیاز انسان به تولید علم و دستیابی به دستاوردهای نوین علمی در ورای مرزهای جغرافیای و زبانی و همچنین ضرورت تبادل افکار و اطلاعات در این‌گونه جوامع، اهمیت این فن، صدچندان شده است. از این روست که ترجمه را می‌توان ابزاری مهم برای درنوردیدن مرزهای زبانی و پلی برای برقراری ارتباط میان تفکرات و اندیشه‌های انسانی دو جامعه زبانی متفاوت دانست.

در این میان اهمیت زبان برای برقراری ارتباط نیز برکسی پوشیده نیست؛ هرچند که این زبان متفاوت باشد. این بدان معناست که علی‌رغم تفاوت‌های زبانی، آنچه در روابط انسانی از اهمیت برخوردار است تفکر و اندیشه‌ایست که در ورای این گوناگونی‌ها و تفاوت‌های زبانی، میان انسان‌ها رد و بدل می‌شود.

حال آنچه انتقال تفکر و اندیشه‌های انسانی در جوامع زبانی گوناگون را تسهیل می‌سازد و ذهنیات انسان‌های این‌گونه جوامع را به هم پیوند می‌دهد، ارتباط دوسویه و تنگاتنگ زبان و ترجمه است؛ زیرا از یک سو، زبان موجب انتقال اطلاعات و مفاهیم، میان انسان‌هایی با زبان‌های متفاوت می‌شود و از سوی دیگر، ترجمه این مفاهیم و اطلاعات را به واژه‌ها و عباراتی قابل فهم تبدیل می‌سازد؛ اما ترجمه تنها انتقال مفاهیم، به واسطه جایگزین کردن واژه‌ای از یک زبان با واژه یا عبارتی از زبان دیگر نیست؛ بلکه انتقال جان کلام و نیز تمام احساس و ادراکی است که در بطن واژه‌ها و عناصر زبانی نهفته است.

با توجه به آنچه راجع به ارتباط زبان و ترجمه برشمردیم، یکی از مباحث مهم و مطرح در زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی، چگونگی انتقال مفاهیم با بیشترین شباهت،

از زبانی به زبان دیگر است. یکی از عواملی که باعث شباهت هرچه بیشتر مفاهیم در دو زبان مبدأ و مقصد می‌شود شکل‌گیری و ایجاد فضاهای ذهنی تا حد ممکن همسان، میان دو جامعه زبانی متفاوت است. بر مبنای نظر فوکونیه^۱ (۱۹۹۷: ۱۱) فضاهای ذهنی ساختارهایی جزئی هستند که به هنگام صحبت کردن و تفکر، تکثیر می‌شوند و امکان تفکیک ساختار دانش و گفتمان انسان را فراهم می‌سازند. این فضاها، که واسطه میان مفهوم‌سازی و تفکر به‌شمار می‌روند، بسته‌های مفهومی کوچکی هستند که از طریق الگوهای شناختی آرمانی و قالب‌ها ایجاد شده و روابطی بر مبنای قیاس و شباهت، میان آنها برقرار می‌شود. فضاهای ذهنی، مناطق یا فضاهایی مفهومی‌اند که انواع خاصی از اطلاعات را در بر می‌گیرند. این فضاها بر مبنای راهبردهای فرهنگی، کاربردشناختی و زبانی تعمیم‌یافته برای به‌کارگیری اطلاعات، ساختاربندی می‌شوند. البته از آنجا که این فضاها در حین گفتمان شکل می‌گیرند، بسته‌های موقت و منحصر به‌فردی از ساختار مفهومی را ایجاد می‌کنند. اصول حاکم بر تشکیل فضاهای ذهنی و روابط و نگاشت‌های میان آنها، از توانایی بالقوه برای خلق معانی نامحدود برخوردار است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳۶۹). حال این که این بسته‌های مفهومی طی فرایند ترجمه به چه نحو به نزدیک‌ترین و همسان‌ترین شکل ممکن در ذهن مخاطب متن مقصد شکل می‌گیرند، موضوعی است که این مقاله در پی واکاوی آنست. البته لازم به ذکر است که فضاهای ذهنی از مؤلفه‌های متعددی برخوردار است که بررسی همه‌جانبه آن در این مقال نمی‌گنجد؛ از این‌رو عنصر اصلی تشکیل دهنده فضاهای ذهنی، یعنی فضا‌سازها، پیش‌انگاری شکل گرفته در فضاهای ذهنی حاصل و اصل دسترسی‌گرفته‌ای از این مؤلفه‌هاست که در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

درخصوص جنبه نوآورانه این پژوهش باید به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم ترجمه‌های فراوانی که از متون و آثار مختلفی از زبان انگلیسی به فارسی صورت گرفته است، تاکنون ترجمه‌های مذکور از دیدگاه فضاهای ذهنی مورد نقد و بررسی قرار نگرفته‌اند و پژوهش‌های پیشین، این نظریه و مؤلفه‌های آن را تنها در زبان فارسی و یا به‌طور کلی در یک زبان، مورد واکاوی قرار داده‌اند؛ از این‌رو، عدم انجام

است کاربردپذیری نظریه فضاهای ذهنی را در تحلیل فرآیند معنا سازی در تعاملات و گفتمان‌های واقعی^۷ نشان دهد. الکساندر^۸ (۲۰۱۱) در رساله دکترای خود، فضاهای ذهنی را ساختارهای تجسمی و موقتی‌ای می‌داند که هنگام گفتمان شکل می‌گیرند و به عوامل بافتی واکنش نشان می‌دهند. وی هدف این نظریه را توصیف ارجاع و هم‌ارجاعی در چهار موقعیت فضاهای حوزه‌ای^۹، زمانی^{۱۰}، فضایی^{۱۱} و فضاهای فرضی یا انگاشتی^{۱۲} می‌داند. کیمنس^{۱۳} (۲۰۱۲) نحوه شکل‌گیری و ارتباط میان فضاهای ذهنی و رابطه آن با حروف تعریف را مورد توجه قرار داده است. از دیدگاه وی، حرف تعریف معرفه، نشانگر آنست که دانش مورد نیاز برای تعبیر و تفسیر عبارت‌های اسمی، در جایی درون فضاهای ذهنی قابل دستیابی است. اریلی^{۱۴} (۲۰۱۴) نیز با استفاده از مدل شناختی فضای ذهنی، پردازش زبان در مدل‌های کامپیوتری را مورد ارزیابی قرار داده و اذعان می‌دارد که برخلاف طراحی، خلق و کاوش در مدل کامپیوتری فضاهای ذهنی و معنا شناسی قالبی، نتایج حاصل با نوعی آمیختگی همراه است. میزراجی^{۱۵} (۲۰۱۷) نیز معتقد است فضاهای ذهنی، پشتیبانی معنایی خود را از یک شبکه معنایی طبیعی در مغز انسان دریافت می‌کند و رابطه بالقوه بین نظریه فضاهای ذهنی و مدل‌های عصبی، درک ما از شبکه‌های معنایی فیزیولوژیکی در مغز انسان را بهبود می‌بخشد.

در ایران نیز پژوهشگرانی در قالب پایان‌نامه و مقاله به نظریه فضاهای ذهنی از جنبه‌های گوناگون پرداخته‌اند. گلفام و علوی (۱۳۸۵-۱۳۸۶) ضمن بررسی پدیده‌های معنایی «ابهام»، «تیرگی ارجاع» و «پیش‌انگاری»، فرآیند آمیختگی مفهومی را نیز مورد توجه قرار داده و با بررسی نمودارهای فرضی از نحوه پردازش فضاها در ذهن و رابطه آنها، به مطالعه معنا از منظر کاربردهای روان‌شناختی و ذهنی پرداخته‌اند. زربان (۱۳۸۸) نیز معنا در زبان فارسی را بر پایه نظریه فضاهای ذهنی و در چارچوب معنا شناسی شناختی مورد مطالعه قرار داده است. به اعتقاد وی تبیین پدیده‌های تناقض در زنجیره کلام و پیش‌انگاری ارجاعی به طور کامل

پژوهشی که این نظریه را در حوزه ترجمه مدنظر قرار داده و کیفیت ترجمه را از این منظر بررسی نموده باشد و همچنین عدم بررسی و تطابق فضاهای ذهنی و بررسی این نظریه در متون انگلیسی و ترجمه آنها، خلأیی است که این پژوهش در صدد پر کردن آنست.

این پژوهش با معرفی چارچوب نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه، در نظر دارد ترجمه را در چارچوب این نظریه مورد واکاوی قرار داده و چگونگی انتقال فضاهای ذهنی را طی فرآیند ترجمه بررسی نماید. در این پژوهش سعی بر آن است تا با مطابقت دادن دو رمان انگلیسی *بادبادک‌باز* (حسینی^{۱۶}، ۲۰۰۳) و *پیرمرد و دریا* (همینگوی^{۱۷}، ۱۹۹۰) با ترجمه فارسی آنها، اقدامات و معادل‌سازی‌های صورت گرفته در متن، جهت نزدیک‌تر نمودن و مشابه‌سازی فضاهای ذهنی متن مبدأ به فضاهای ذهنی فارسی‌زبانان و چگونگی انتقال این فضاها به متن مقصد مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های جامعی در خصوص ارتباط نظریه فضاهای ذهنی و ورود آن به ترجمه صورت نگرفته است؛ اما تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در زمینه فضاهای ذهنی و بسط این نظریه و کاربرد آن در مفاهیم زبانی و روان‌شناختی دیگر انجام شده است که از میان این پژوهش‌ها می‌توان از سویتسر (۲۰۰۰)، هاردر (۲۰۰۳)، برانت (۲۰۰۵)، اوکلی و هوگارد (۲۰۰۸) و لیو و گائو (۲۰۱۰) نام برد.

سویتسر (۲۰۰۰) نظریه فضاهای ذهنی و مکانیسم پیچیده آن، در ارائه مضامین گفتار، تفکر و ادراک را راهی برای واکاوی روابط میان حوزه‌های ادراکی جهان واقع می‌داند. ایلبرت^{۱۸} و هایسیم بوتوم^{۱۹} (۲۰۰۶) فضاهای ذهنی را از منظر متفاوت، یعنی روان‌شناسی و فیزیولوژی مورد توجه قرار داده و چارچوب شناختی الگوسازی فضای ذهنی و راه‌گزینی آن در خلال تعیین موقعیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. یینسن^{۲۰} (۲۰۰۶) با تحلیل گروه‌های اسمی نکره و معرفه، به بررسی کاربرد تمایز نقش- ارزش در نظریه فضاهای ذهنی پرداخته است. ویلیامز^{۲۱} (۲۰۰۸) نیز کوشیده

7. actual discourse

8. M. G. Alexander

9. domain space

10. time space

11. spatial space

12. hypothetical spaces

13. Á. Kémenes

14. C. O'Reilly

15. E. Mizraji

1. K. Hosseini

2. E. Hemingway

3. J. L. Eilbert

4. J. Hicinbothom

5. H. D. Jensen

6. R. F. Williams

مترجم بر ترجمه است که این موضوع، نو بودن پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

پایگاه نظری پژوهش

زبان‌شناسی نظری^۱ شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که بدون توجه به کاربرد عملی زبان، به بررسی ماهیت و ساختار زبان و همچنین تدوین الگوهای زبانی می‌پردازد. دبیرمقدم (۱۳۹۳: ۹) سه نگرش و رویکرد غالب در این شاخه از زبان‌شناسی را، زبان‌شناسی صورت‌گرا^۲، زبان‌شناسی نقش‌گرا^۳ و زبان‌شناسی شناختی می‌داند. آنچه زبان‌شناسی شناختی را از دو نگرش دیگر متمایز می‌سازد، توجه این نگرش به زبان به عنوان نظامی برای کشف ساختار شناختی انسان است که در آن، رابطه میان زبان، ذهن و تجربیات بشری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در زبان‌شناسی شناختی بر نقش مهم و محوریت «معنا» در مطالعات زبانی تأکید شده است. براساس دیدگاه شناختی، پیش از آنکه مدل شناختی مناسبی از دستور زبان بسط و گسترش یابد، می‌بایست یک مدل معنایی شناختی، ترسیم و توصیف گردد؛ از این‌رو می‌توان دستور شناختی را وابسته به معناشناسی شناختی دانست. بر این مبنای «رویکردهای شناختی به دستور»^۴ و «معناشناسی شناختی»^۵ دو حوزه اصلی در مطالعات زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌روند که پژوهش‌های زبانی در زبان‌شناسی شناختی به‌طور عمده بر این دو حوزه متمرکز شده است. نظریه فضاهای ذهنی، نظریه‌ایست که به عنوان یکی از نظریات مهم در حوزه معناشناسی شناختی مطرح گردیده است.

برمبنای نگرش معناشناسان شناختی دانش زبانی را نمی‌توان مستقل از قوه تفکر و شناخت بشر دانست. از نظر آنان، رفتار زبانی بخشی از استعدادهای شناختی انسان است که به‌واسطه آن، امکان یادگیری، استدلال و تحلیل برای انسان فراهم می‌شود؛ بنابراین هسته اصلی آنچه این زبان‌شناسان به آن معتقدند را می‌توان در این عبارت نهفته دانست که «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (صفوی، ۱۳۹۲: ۳۶۳)؛ از این‌رو، پژوهشگران حوزه معناشناسی شناختی فعالیت خود را بر بررسی شیوه بازنمایی

در نظریه فضاهای ذهنی محقق نمی‌گردد؛ بلکه پیوستاری از هر دو مفهوم در شرایط صفر و یک در این باره دخیلند. گلفام و عبدالکریمی (۱۳۸۹) به واکاوی مفهوم فضای ذهنی، رابطه میان فضای ذهنی و مجاز و نقش این نظریه در رفع ابهامات ارجاعی و نابهنجاری معنایی پرداخته‌اند و بیان می‌دارند که بازنمایی متفاوت فضاهای ذهنی در زبان‌های طبیعی، از سویی، انعکاس عملکرد مشترک ذهن در رمزگذاری‌های زبانی بوده و از سوی دیگر، گواهی بر بازتاب توانایی‌های شناختی غیر زبانی انسان در زبان اوست. آقاگل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱) نیز وجه و زمان فعل را بر مبنای نظریه فضاهای ذهنی مورد توجه قرار داده و به توجیه کاربردهای متفاوت آنها در جملات ساده و مرکب بر اساس این نظریه پرداخته‌اند. مشایخی (۱۳۹۲) داستان کودکان را براساس نظریه فضاهای ذهنی و عملکرد فضاها در این‌گونه داستان‌ها، مورد واکاوی قرار داده و معتقد است فضاها از توصیفی، بدان جهت که به تجسم عینی مخاطب از موضوع یا موقعیتی که به‌طور مستقیم شاهد آن نبوده است کمک می‌کنند، در ساخت فضاهای ذهنی و عینیت بخشیدن به آن نقش تأثیرگذارتری ایفا می‌کنند. عامری، خیرآبادی، و خیرآبادی (۱۳۹۴) نیز در چارچوب نظریه فضاهای ذهنی، اخبار روزنامه‌های فارسی‌زبان را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و در این خصوص، فضاهای ذهنی را در چند متن خبری ارزیابی نموده‌اند. ربانی (۱۳۹۶) نیز نقش زمان و وجه فعل در ایجاد فضاهای ذهنی در زبان فارسی را بررسی نموده و اظهار می‌دارد که زبان فارسی از زمان و وجه فعل در ایجاد فضاهای ذهنی بهره می‌گیرد. با این حال همه زمان‌ها و وجوه فعلی نقش فضاها ندارند؛ بلکه این وجوه التزامی و امری و همچنین زمان‌های گذشته و آینده هستند که نقش فضاها را در زبان فارسی ایفا می‌کنند و به خلق فضایی در تقابل با فضای واقعی می‌پردازند. کیخا (۱۳۹۷) نیز به بررسی کارایی نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه در آیات قرآن پرداخته است. او در این پژوهش با استفاده از این نظریه فوکونیه و فاکتورهایی که برای سنجش آن به‌کارگرفته شده است، به فضاهای ذهنی مترجم و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم پرداخته و در ارائه متنی پیوسته و معنادار، آن را تأثیرگذار ارزیابی نموده است. این پژوهش گرچه به فضای ذهنی در ترجمه پرداخته است ولی آنچه در آن مورد توجه قرار گرفته است نه فضای ذهنی جملات، بلکه تأثیر فضای ذهنی

1. theoretical linguistics
2. formal linguistics
3. functional linguistics
4. cognitive approaches to grammar
5. cognitive semantics

نمی‌شود؛ بلکه ساختارهای درونی زبان نیز در این امر دخیلند. زبان، فضاهای ذهنی، روابط میان آنها و رابطه میان عناصر موجود در آن فضاها را شکل می‌دهد. «برقراری ارتباط^۵» نیز هنگامی صورت می‌گیرد که دو طرف سخن، در یک تعامل گفتمانی با استفاده از داده‌های زبانی و کاربردشناسی یکسان، پیکره‌های فضایی^۶ مشابهی را خلق کنند. به کارگیری زبان از سوی انسان، تنها ظاهر قضیه ساختار شناختی بشر را آشکار می‌سازد؛ بخش اعظم عملکرد شناختی انسان در پشت صحنه شکل‌گیری یک گفتمان اتفاق می‌افتد. در طی گفتمان حوزه‌ها و فضاهای ذهنی جدیدی ایجاد می‌شوند و میان آنها پیوندها و نگاشت‌هایی انتزاعی صورت می‌گیرد؛ بدین ترتیب ساختارهای درونی زبان نمایان شده و گسترش می‌یابند و جایگاه زاویه دید^۷ و کانون توجه^۸ تغییر می‌کند (همان: XXII).

فوکونیه (۱۹۹۸) همچنین معتقد است وقتی انسان به واسطه زبان (به عنوان مثال از طریق مکالمه، شعر و یا داستان‌سرایی)، وارد گونه‌ای از فرایند تفکر می‌شود، حوزه‌ها شروع به شکل‌گیری می‌کنند. برای هر بخشی از تفکر انسان تعداد زیادی از این حوزه‌ها یا همان فضاهای ذهنی شکل می‌گیرند. در این فرایند، زبان (واژگان^۹ و دستور) ابزاری قدرتمند برای تشخیص و بازیابی جنبه‌های اصلی این ساختار شناختی محسوب می‌شود؛ بنابراین، با اینکه فضاهای ذهنی ساختارهایی متمایز از ساختارهای زبانی به‌شمار می‌روند، ولی در هر گفتمان مطابق با دستورالعمل‌هایی که عبارات زبانی فراهم می‌آورند، شکل می‌گیرند. در این نظریه، این ابزارهای زبانی (واژگان و دستور)، زمینه شکل‌گیری فضاهای ذهنی را فراهم می‌سازند و عنوان فضا ساز^{۱۰} بر آنها اطلاق می‌گردد. در ادامه مولفه‌هایی که چارچوب پژوهش حاضر را شکل می‌دهند از نظر می‌گذرانیم:

۱- فضا سازهای ذهنی

بر مبنای نظریه فضاهای ذهنی، زبان از ابزارهای متعددی برای ایجاد فضاهای ذهنی و برقراری ارتباط میان آنها برخوردار است. فضاها حاصل فرایند تفکر و تکلم انسانند که

اطلاعات (ساختار مفهومی) و ساخت معنا (مفهوم‌سازی) در ذهن انسان متمرکز ساخته‌اند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۸). از دیدگاه معناشناسان شناختی، فرایند معنا سازی و درک معنا، ماهیتی ادراکی دارد. بر مبنای این نگرش، جمله‌ها حوزه‌های مفهومی موقتی‌ای می‌سازند که طی گفتمان شکل می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان جمله‌ها را دستورالعمل‌هایی برای ساخت معنا یا حوزه‌های مفهومی‌ای دانست که در متن، کنار هم قرار می‌گیرند؛ این حوزه‌ها را «فضاهای ذهنی» می‌نامند. بر این اساس، درک متن به درک معنای جمله و درک جمله به دانستن معنای واژه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه مهم، معنا سازی از طریق بافت است که از آن به مفهوم‌سازی تعبیر می‌شود (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶: ۱۲۱). آنان همچنین معتقدند که معنا ماهیتی ذهن‌بنیاد و پویا داشته و منتج از دو دانش درون زبانی و برون زبانیست. در سایه چنین نگرش‌هایی به زبان و معنا بود که نظریه فضاهای ذهنی از سوی فوکونیه مطرح گردید.

نظریه فضاهای ذهنی

نظریه فضاهای ذهنی به‌طور رسمی در سال ۱۹۸۵ توسط فوکونیه و با هدف تبیین برخی پدیده‌های پیچیده زبان شناختی از جمله ارجاع، پیش‌انگاری و ابهام پایه‌گذاری شد. فوکونیه نظریات خود در خصوص فضاهای ذهنی را در دو کتاب فضاهای ذهنی^۱ (۱۹۸۵) و نگاشت‌ها در تفکر و زبان^۲ (۱۹۹۷) مطرح ساخت. بر مبنای نظریه فضاهای ذهنی، مطالعه معنای زبانی، مطالعه روشی است که زبان برای بیان ناقص مجموعه‌ای از روال‌های شناختی پیچیده فراهم می‌سازد. بر این اساس زبان حامل معنا نیست بلکه دستورالعملی برای ساخت معناست که مبتنی بر بسیاری از فعالیت‌های شناختی مستقل است (سعید^۳، ۲۰۱۲: ۳۷۷). طبق نظر فوکونیه، ساخت معنا متضمن دو فرایند است که عبارتند از: الف) ساخت فضاهای ذهنی؛ ب) ایجاد نگاشت‌هایی میان آن فضاها. روابط نگاشتی متأثر از بافت کلام بوده و توسط آن هدایت می‌شوند؛ به همین دلیل فرایند ساخت معنا همواره وابسته به بافت و گفتمان محور^۴ است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳۶۸).

به عقیده فوکونیه (۱۹۹۸: ۲)، زبان صرفاً با توجه به جهان‌ها، الگوها، بافت‌ها و موقعیت‌ها تعبیر و تفسیر

5. communication
6. space configurations
7. viewpoint
8. focus
9. lexicon
10. space builder

1. mental spaces
2. mapping in thought and language
3. J. I. Saeed
4. discourse-based

د. عناصر بیانگر انتخاب مثل «یا» (یا باید تاکسی بگیرم، یا باید پیاده به خانه بروم).

ه. کمیّت‌سنج‌ها^{۱۵} (هر کشور قوانین خاص خود را دارد).
گاورونسکا^{۱۶}، ارلندسون^{۱۷} و تورستنسون^{۱۸} (۲۰۰۴) نیز با توجه به نظریه کلاسیک فضاهای ذهنی، علاوه بر فضاسازهای ذکر شده، افعال دال بر کنش‌های گفتاری و فعالیت‌های ذهنی، نشانگرهای زمان دستوری^{۱۹} و وجهیت^{۲۰} و عبارات اسمی که به تصاویر و داستان‌ها اشاره می‌کنند را نیز در دسته فضاسازها قرار می‌دهند.

در ادامه پرسامدترین عناصر فضاساز مدّ نظر فوکونیه که مبنای تحلیل داده‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند معرفی نموده و نمونه‌هایی از آنها را ارائه می‌دهیم:

۱-۱ **گروه‌های حرف اضافه:** گروه‌های حرف اضافه در واقع عباراتی هستند که با قید همپوشانی یافته و می‌توانند نقش قید را نیز در جمله ایفا کنند. این عبارات، که با حروف اضافه آغاز می‌شوند، فضای ذهنی مربوط به زمان، مکان یا موقعیت خاصی از یک رویداد را در ذهن متبادر می‌سازند. به عبارت دیگر، این گروه‌های حرف اضافه حامل اطلاعاتی هستند که باعث می‌شوند ذهن شنونده/خواننده از فضای کنونی جدا شده و ویژگی‌های زمان یا مکانی که در این گروه حرف اضافه به آن اشاره شده است در ذهن وی فضاسازی شود. در جمله زیر این نوع فضاساز به کار برده شده است:
«در سال ۱۳۳۵، این پیرزن سالخورده، زنی جوان و زیبا بود.»

گروه حرف اضافه به کار برده شده در این عبارت، ذهن شنونده را به طور ناخودآگاه از زمان حال و وضعیت کنونی پیرزن مورد بحث جدا نموده و فضای مربوط به سال ۱۳۳۵ و وضعیت آن زمان این زن، در ذهن او مجسم می‌شود؛ در واقع گوینده با به‌کارگیری این فضاساز، شنونده را ملزم به تصویرسازی فضای مدّ نظر خود می‌سازد.

۲-۱ **قید یا گروه قیدی:** قیدهایی همچون واقعاً، احتمالاً و مانند اینها در دسته فضاسازها قرار می‌گیرند. با کمک این قیدها، فضای وقوع یک رویداد یا صحت آن در واقعیت، با فضای ذهنی احتمال وقوع آن رویداد در تقابل قرار می‌گیرد و

به‌واسطه عناصری زبانی به نام فضاسازها شکل می‌گیرند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶). فضاسازها عبارات دستوری و واحدهایی زبان‌شناختی‌اند که باعث ایجاد فضاهای ذهنی جدید در گفتمان شده و یا توجه را به سمت فضاهای ذهنی قبلی معطوف می‌دارند.

صورت‌های زبانی یا جملات، در هر مرحله از گفتمان، حاوی اطلاعات گوناگونی نظیر اطلاعات نحوی^۱، واژگانی^۲، کاربردشناختی^۳، بلاغی^۴ و غیره هستند که از طریق سازه‌های دستوری مختلف در ذهن مخاطب تداعی شده و فضای مربوط به آن در ذهن او نقش می‌بندد؛ به عنوان مثال در این خصوص، می‌توان به نقش زمان دستوری^۵ و وجه^۶ در فضاسازی اطلاعات نحوی اشاره نمود. این سازه‌های دستوری و زبانی همان فضاسازها هستند. فوکونیه (۱۹۹۸) واحدهای دستوری مختلفی را به عنوان فضاساز برمی‌شمرد که شامل عناصر ذیل است:

الف. گروه‌های قیدی^۷ از جمله قیده‌های زمان و مکان (در سال ۱۳۷۵، در مدرسه، احتمالاً)

ب. گروه‌های حرف اضافه‌ای^۸ (از نظر او، با پای پیاده)

ج. افعال وجهی^۹ (احتمال داشتن، توانستن)

د. ساخت‌های شرطی^{۱۰} و حروف ربط پیوندی^{۱۱} (اگر... پس...)

ه. ترکیب فاعل- فعل^{۱۲} (علی امیدوارست...، سعید فکر می‌کند)

کرافت^{۱۳} و کروژ^{۱۴} (۲۰۰۴) نیز بر مبنای نظریات

فوکونیه، گروه‌های دیگری از فضاسازها را معرفی می‌کنند که عبارتند از:

الف. اصطلاحات مربوط به برخی بازی‌ها یا سیستم‌ها (در این بازی، سرباز، پرتعدادترین مهره است).

ب. موقعیت‌های ساختگی (در این افسانه...)

ج. عناصر منفی‌ساز (مریم به مدرسه نرفت).

1. syntactic information
2. lexical information
3. pragmatic information
4. rhetoric information
5. tense
6. mood
7. adverbial phrases
8. prepositional phrases
9. modal verbs
10. conditional verbs
11. connectives
12. subject-verb combination
13. W. Croft
14. D. A. Cruse

15. quantifier
16. B. Gawronska
17. B. Erlendsson
18. N. Torstensson
19. tense markers
20. modality marker

زمین بزرگتر است. بدین ترتیب فضا ساز «مریم فکر می کند»، مخاطب را از فضای واقعیت جدا نموده و توجه وی را به فضایی که بر مبنای «فکر مریم» شکل گرفته است، معطوف می سازد. این فضا که مبنای تولید جمله بعد و هدایت آن به سمت فضای «فکر مریم» است، فضای «شامل»^۱ یا «پایه»^۲ نامیده می شود. فضای ادامه جمله که مربوط به «اندازه کره ماه» در ذهن مریم است، فضای ثانویه ایست که فضای پایه «فکر مریم»، مبنای شکل گیری آنست و فضای «زیرشمول»^۳ یا «ساخته شده»^۴ خوانده می شود و از طریق فضای شامل قابل دسترسی است.

۵-۱ افعال وجهی: شامل فعل هایی همچون «احتمال داشتن/may»، «توانستن/can» و غیره هستند که فضایی مغایر با فضای واقعیت، که می تواند به وقوع بپیوندد یا خیر را به ذهن مخاطب القاء می کند؛ در واقع، این افعال باعث خلق فضایی در ذهن مخاطب می شوند که می تواند در جهان واقع، نمود عینی پیدا کند و یا اینکه هرگز به وقوع نپیوندد. جمله زیر نمونه ای از این فضا ساز را داراست:

«علی ممکن است در مصاحبه پذیرفته شود.»

در این جمله، دو فضای متفاوت در ذهن مخاطب شکل گرفته و در تقابل با یکدیگر قرار می گیرد؛ که یکی از آن دو فضا سرانجام در جهان خارج یا واقعیت نمود می یابد و امکان بروز فضای دیگر را سلب می شود.

۶-۱ عناصر منفی ساز: این عناصر به صورت پیشوند در ابتدای فعل یا به صورت عناصری منفرد در جمله ظاهر می شوند و فضای عدم وقوع یک رخداد یا واقعیت و یا عدم وجود یا حضور عنصری در جمله را در ذهن مخاطب فضا سازی می کنند. در جمله زیر این فضا ساز دیده می شود:

«زهره در کار خانه به مادرش کمک نمی کند.»

در بخش بعد به مبحث پیش انگاری می پردازیم.

۲- پیش انگاری

موضوع پیش انگاری ابتدا در حوزه منطق مطرح گردید؛ اما با گذشت زمان به حوزه معاشناسی زبانی و منطقی و سرانجام به زبان شناسی کاربردی نیز راه یافت (صفوی، ۱۳۹۲). یکی از مسائلی که معاشناسان را در رابطه با پیش انگاری دچار

فضاهای ذهنی چندگانه ای را در ذهن مخاطب شکل می دهد. جمله زیر نمونه ای از این نوع فضا سازها را در بردارد:

«شاید، من فردا با دوستم به سفر بروم.»

وجود فضا ساز «شاید» در این جمله می تواند چندین فضای ذهنی را در ذهن مخاطب شکل دهد؛ برای نمونه «نرفتن به سفر»، «رفتن به سفر در روزی دیگر» و یا «رفتن به سفر با شخصی دیگر» از جمله فضاهایی هستند که در نتیجه این فضا ساز می تواند در ذهن شکل بگیرد.

۳-۱ ساخت های شرطی: این گروه دسته دیگری از فضا سازها هستند که با مشروط نمودن یک عمل یا موقعیت، باعث شکل گیری فضای جدیدی می شوند. ساخت های شرطی که با شرطی ساز «اگر» همراهند، باعث ایجاد فضایی فرضی یا همان فضای شرط در ذهن مخاطب می شوند. در جمله زیر این نوع فضا ساز دیده می شود:

«اگر من به جای دوستم بودم، نمی توانستم این شرایط

سخت را تحمل کنم.»

در این جمله، شرطی ساز «اگر» باعث ایجاد فضایی فرضی می شود که در آن «من» و «دوستم» در یک موضع قرار می گیرند. در حالی که در فضای واقعیت چنین چیزی امکان پذیر نیست و هریک از این دو عنصر، مرجع جداگانه ای دارند. بدین ترتیب با بهره گیری از ابزار شرط «اگر»، فضای شرط در ذهن مخاطب نقش گرفته و می تواند فضای «من» در جایگاه «دوستم» را در ذهن ترسیم و درک نماید.

۴-۱ ترکیب فاعل و افعال ذهنی: در این گونه عبارات، ترکیب فاعل - فعل، معمولاً با افعال ذهنی و بند درونه ای که پیامد ذهنی مربوط به آن فعل ذهنی است، همراه می گردد. افعال ذهنی شامل فعل هایی همچون «فکر کردن»، تصور کردن» و افعالی از این دست است. این افعال به همراه فاعل خود در ابتدای جمله، بیانگر فضای واقعیت اند و مبنای شکل گیری فضای ذهنی جدیدی هستند که از جهان واقعیت متمایز بوده و فضای مربوط به عملکرد ذهنی فاعل را در ذهن مخاطب شکل می دهد که می تواند صحت داشته یا نداشته باشد. جمله زیر نمونه ای از این ساختار است:

«مریم فکر می کند که کره ماه از زمین بزرگتر است.»

در این جمله فضای واقعیت جهان خارج، به واسطه فضا ساز «مریم فکر می کند» در تقابل با فضای ذهنی «فکر مریم» قرار می گیرد. در فضای واقعیت، کره زمین مقیاسی بزرگتر از ماه دارد؛ در حالی که در فضای تفکر مریم، ماه از

1. parent space
2. base space
3. daughter space
4. built space

می‌شود. طبق نظر کارتونن^۳ (n.d)، به نقل از لوینسون^۴، ۱۹۹۷: (۱۸۱-۱۸۴) و یول^۵ (۱۹۹۶)، برخی از مهمترین پیش‌انگاره‌سازها عبارتند از:

الف. وصف معرف‌ها؛ شامل همه نام‌های معین یا معرفه که مرجع خاصی دارند.

ب. افعال استلزامی^۶: افعالی همچون «از عهدہ برآمدن/manage»، «فراموش کردن/forget».

ج. افعال واقعیت‌نما^۷: فعل‌هایی که بند متمم می‌پذیرند و صدق بند متمم خود را پیش‌انگاری می‌کنند.

د. افعال تغییر وضعیت^۸: فعل‌هایی همچون «شروع کردن/enter»، «وارد شدن/enter».

ه. عبارات تکرارنما^۹: شامل عباراتی همچون «بار دیگر/another time»، «دوباره/again».

و. ساخت‌های مقایسه‌ای^{۱۱}: ساخت‌های دربردارندهٔ پسوند «-تر» و «-ترین».

ز. ساختارهای خلاف واقع یا ساخت‌های شرطی.

۳- اصل دسترسی

هدف فوکونیه از معرفی این اصل در نظریهٔ فضاهای ذهنی، تبیین چگونگی ارتباط عناصر نظیر در دو فضای ذهنی متفاوت است. بر مبنای این اصل چنانچه دو پدیده یا عنصر نقش کاربردی یکسانی داشته باشند عناصر نظیر بوده و با یکدیگر ارتباط می‌یابند، در این صورت نام یا توصیف عنصر نخست می‌تواند برای تشخیص و دسترسی به عنصر دوم که نظیر و همتای آنست، به کار رود. عنصر نخست، که برای تشخیص عنصر دوم و دسترسی به آن به کار می‌رود، مبدأ^{۱۲} ارجاع و عنصر دوم که بدین طریق قابل دسترسی است، مقصد^{۱۳} ارجاع نام دارند (فوکونیه، ۱۹۹۸). مثال زیر نمونه‌ای از اصل دسترسی است:

«حافظ روی قفسه بالایی است.»

در این مثال، بین «حافظ» و کتاب وی یک نقش کاربردی ایجاد می‌شود که میان این دو ارتباط برقرار می‌کند.

مشکل کرده بود ارائهٔ دلیلی برای «امکان یا عدم امکان تحقق پیش‌انگاری» بود. فوکونیه یکی از دلایل طرح نظریهٔ فضای ذهنی را تبیین این پدیدهٔ معنایی بیان نمود و با بهره‌گیری از «اصل بهینه‌سازی»^۱ اذعان داشت که با امکان گذر اطلاعات از فضای شامل به فضای زیرشمول و در صورتی که در فضای شامل متناقض یا همانندی برای آن نباشد، امکان تحقق پیش‌انگاری حاصل می‌شود. بر مبنای اصل بهینه‌سازی (فوکونیه، ۱۹۹۸: ۹۱):

۱. عناصر فضای شامل از قرینه‌هایی در فضای زیرشمول برخوردارند.
 ۲. روابط میان عناصر فضای شامل، در مورد عناصر نظیر آنان در فضای زیرشمول نیز صدق می‌کند.
 ۳. مفروضات پیش‌زمینه‌ای در فضای شامل، برای فضای زیرشمول نیز صادق است.
- بنابراین، یکی از ویژگی‌ها و امتیازات برجستهٔ نظریهٔ فضاهای ذهنی، توانایی آن در تبیین این پدیدهٔ معنایی است. پیش‌انگاری یکی از انواع روابط معنایی در سطح جملات زبان است و این امکان را فراهم می‌سازد که براساس اطلاعات موجود در یک جمله بتوان به اطلاعات دیگری دست یافت (صفوی، ۱۳۸۰).

هر زبان ابزارهایی دستوری را در اختیار دارد که از طریق آنها برخی ساختارهای درونی فضاهای ذهنی را که به صورت پیش‌انگاشته شکل می‌گیرند نشان‌گذاری می‌کند. این مشخصه، ویژگی قدرتمندی برای زبان محسوب می‌شود؛ زیرا اجازه می‌دهد که این ساختارها به‌طور پیش‌فرض، درون شبکه‌ای از فضاهای ذهنی و به عنوان بخشی از گفتمان جاری انتشار یابد. در نتیجه، اطلاعات زیادی با حداقل عناصر صریح واژگانی به شبکهٔ فضاهای ذهنی راه می‌یابد. این مقولات واژگانی یا ساختارهای زبانی که از وجود پیش‌انگاری در یک گفتار خبر می‌دهند، «پیش‌انگاره‌ساز»^۲ خوانده می‌شوند.

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ادعا نمود که عناصر پیش‌انگاره‌ساز در ساختار کلام، امکان انتشار اطلاعات از یک فضای ذهنی به فضای دیگر را فراهم می‌آورند و حضور آنان، باعث عدم مواجههٔ ساختار پیش‌انگاشتهٔ یک فضای ذهنی، با متناقض یا همانند خود در فضای دیگر

3. L. Karttunen
4. S.C. Levinson
5. G. Yule
6. definite description
7. Implicative verb
8. factive verbs
9. change of state verbs
10. iteratives
11. comparative constructions
12. trigger
13. target

1. Optimization principle.
2. presupposition trigger

ذهنی فوکونیه و به روش توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

بررسی داده‌ها

در این بخش به تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته و داده‌های منتخب از رمان‌های *بادبادک‌باز* و *پیرمرد و دریا* مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و فضا سازیها از نظر نوع و تعداد آنها و میزان مطابقت آنها در هر دو متن اصلی و ترجمه مورد بررسی قرار می‌گیرند. اصل دسترسی و پیش‌انگاری، در صورت وجود در متن اصلی، با متناظر خود در متن ترجمه شده مورد تطابق و مقایسه قرار گرفته و بررسی خواهند شد. در ادامه چند نمونه از جملات و داده‌ها را از نظر می‌گذرانیم و کاهش یا افزایش فضاها و مغایرت یا مطابقت فضاها را ارزیابی نموده و در پایان نتایج را به صورت آماری و در قالب جدول و نمودار ارائه می‌دهیم.

نمونه‌ای از داده‌های رمان *بادبادک‌باز*

Things between baba and me were already cooling off again.

ترجمه: رابطه من و بابا باز به سردی گراییده بود.

• فضا سازیهای جمله انگلیسی: قیدهای «already» و «again»، گروه حرف اضافه «Between baba and me»

• فضا ساز جمله فارسی: قید «دوباره»

• پیش‌انگاری: در هر دو جمله، عنصر تکرارنما، «again/باز» پیش‌انگاری یکسانی را سبب شده است.

مقایسه دو جمله فوق، بیانگر آنست که دو قید «again» و «already» و گروه حرف اضافه «between baba and me» در جمله اصلی، تنها به یک قید «دوباره» در جمله ترجمه کاهش یافته است؛ ولی در عین حال، همان فضای ذهنی متن مبدأ، در ذهن مخاطب فارسی زبان نیز شکل گرفته است که دلیل این امر به دلیل عنصر فضا ساز (باز/ again) ایست که در هر دو جمله وجود دارد و علاوه بر فضا سازی، به عنوان یک عنصر تکرارنما، نقش پیش‌انگاره ساز را در جمله ایفا نموده و امکان انتشار اطلاعاتی را فراهم می‌سازد که ممکن است صراحتاً و به طور عینی در ساختار جمله، واحدی برای انتقال آنها وجود نداشته باشد؛ در واقع به کمک این عناصر و بر اساس اطلاعات موجود در یک جمله است که می‌توان به اطلاعات دیگری

به این ترتیب نام «حافظ» به عنوان خالق اثر به جای «کتاب» او و برای تشخیص آن به کار می‌رود. در اینجا «حافظ»، مبدأ ارجاع و «کتاب حافظ» مقصد ارجاع محسوب می‌شود. فوکونیه با بیان این اصل به تبیین این موضوع پرداخت که از طریق عباراتی که به عناصر نظیر در یک فضای ذهنی اشاره دارند، می‌توان به عناصر درونی فضا های ذهنی قبل یا بعد در یک گفتمان دست یافت و ارتباط میان عناصر فضاها را مورد بررسی قرار داد. در ادامه به روش شناسی پژوهش می‌پردازیم.

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را رمان‌های انگلیسی زبانی تشکیل می‌دهد که به فارسی ترجمه شده‌اند. از میان این جامعه آماری، دو رمان *بادبادک‌باز* (خالده حسینی، ۲۰۰۳) و *پیرمرد و دریا* (ارنست همینگوی، ۱۹۹۰) به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند که البته هر دو رمان جزو آثار بنام و پرفروشی هستند که مخاطبان بسیاری داشته‌اند؛ اما از آنجا که از هر کدام از این دو رمان، چندین ترجمه موجود بوده و اساس پژوهش حاضر نیز بر بررسی ترجمه‌ای تا حد امکان صحیح استوار است، در مورد انتخاب ترجمه این آثار، انتخاب تصادفی را کنار گذاشته و به صورت گزینشی دست به انتخاب مترجمی زدیم که از جهات مختلف ترجمه‌ای معتبر و قابل اطمینان داشتند. از این رو رمان *بادبادک‌باز* (ترجمه مهدی غبرایی، ۱۳۹۶) و *پیرمرد و دریا* (ترجمه نجف دریابندری، ۱۳۸۶) از میان ترجمه‌های متعدد این دو رمان انتخاب گردید. البته این مورد را می‌توان از جمله محدودیت‌های پژوهش به شمار آورد که نگارنده را ملزم می‌ساخت که به انتخاب یک ترجمه از میان ترجمه‌های موجود دست بزند. در مرحله بعد، صفحات هر کدام از رمان‌های منتخب، به چهار بخش مساوی تقسیم‌بندی گردید و پس از آن، از هر کدام از بخش‌های دو و چهار هر رمان، ۲۵ جمله، یعنی از هر رمان ۵۰ جمله و در مجموع از دو رمان، ۱۰۰ جمله به صورت تصادفی گزینش گردید. نحوه انتخاب جملات به صورت تصادفی، بدین طریق انجام گرفت که از اول هر بخش، جملات زوج تا ۲۵ جمله، شمارش و از متن استخراج گردید و در نهایت ۱۰۰ جمله استخراج شده، با ۱۰۰ جمله معادل از متن ترجمه فارسی این رمان‌ها مورد مقایسه قرار گرفت و بدین ترتیب الگوهای حاکم بر آنها، از نظر مؤلفه‌های نظریه فضاهای ذهنی، ارزیابی و بررسی گردید. داده‌های مورد نظر بر مبنای الگوی فضا های

تفاوت نحوی دو زبان موجب تغییر در تعداد فضا ساز و کاهش آن در ترجمه شده است؛ ولی در عین حال فضای ذهنی دو جمله، بیشترین انطباق را با یکدیگر دارد.

پیش‌انگاری حاصل از این جمله، با توجه به فعل تکرارنمای «go back» در جمله انگلیسی و فعل «برگشتم» در جمله فارسی، آنست که راوی داستان، دستی در داستان‌گویی و نویسندگی دارد و در زمان‌هایی پیش از این هم، به هنگام مواجهه با تنش‌های ایجاد شده، به ورق زدن کتاب‌های حافظ و خیام، جویدن ناخن و نوشتن داستان روی می‌آورده است؛ بنابراین، فعل تکرارنمای «go back/برگشتن» در هر دو جمله به طور یکسان موجب پیش‌انگاری شده است.

Up and down, slowly, gently.

بالا و پایین، آهسته و ملایم.

- **فضا سازهای جمله انگلیسی:** قیدهای مکان «up» و «down» و قیدهای حالت «slowly» و «gently»
- **فضا سازهای جمله فارسی:** قیدهای مکان «بالا» و «پایین» و قیدهای حالت «آهسته» و «ملایم»
- **پیش‌انگاری:** _____

در این جمله فعل جمله به قرینه لفظی حذف شده است و علی‌رغم حضور فضا سازها، غیاب عناصر دیگر در جمله باعث شده است که فضای ذهنی منسجمی از این جمله (به تتهایی و بدون توجه به جملات پیشین) در ذهن مخاطب شکل نگیرد؛ بلکه باید با ارجاع به جملات قبل و فضای ذهنی آنها و همچنین با تکیه بر عناصر و مؤلفه‌های بافتی، فرایند فضا سازی در ذهن صورت گیرد؛ بنابراین می‌توان اذعان داشت که تنها حضور فضا سازها و عناصری از این دست، باعث شکل‌گیری فضای ذهنی کاملی در ذهن نمی‌شود؛ بلکه فضا سازها در کنار دیگر عناصر جمله و همچنین با کمک عواملی که در متن حضور دارند، باعث تشکیل فضای ذهنی منسجمی در ذهن مخاطب می‌شوند. این جمله، پیش‌انگاری خاصی برای مخاطب در پی ندارد.

نمونه‌ای از داده‌های رمان پیرمرد و دریا

He did not remember when he had first started to talk aloud when he was by himself.

ترجمه: بیاد [به یاد] نداشت از کی بنا کرده است در تتهایی به صدای بلند حرف بزند.

دست یافت؛ بنابراین از آنجا که این اطلاعات بخشی از فضای ذهنی ما را شکل می‌دهند، می‌توان مدعی شد که از طریق تنها فضا ساز جمله فارسی که پیش‌انگاره ساز نیز هست و همچنین با کمک زمان فعل و ساختار کلی جمله، حتی در صورت کاهش فضا سازها، این امکان وجود دارد که فضای ذهنی‌ای همسان با فضای ذهنی مخاطب زبان مبدأ، برای مخاطب زبان مقصد فضا سازی شود.

پیش‌انگاری‌ای که از این جمله و به واسطه قید «again» در جمله اصلی و قید «باز» در جمله فارسی، در ذهن هر دو مخاطب شکل می‌گیرد آنست که وجود رابطه سرد میان پدر و پسر، نه برای نخستین بار، که پیش‌تر نیز میان آنها حاکم بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که مخاطبان هر دو زبان، علاوه بر فضای ذهنی یکسان، به پیش‌انگاری یکسانی نیز از این دو جمله دست می‌یابند.

I'd gone back to thumbing through Hāfez and Khayyám, gnawing my nails down to the cuticles, writing stories.

ترجمه: من سر کتاب‌هایم برمی‌گشتم و حافظ و خیام را ورق می‌زدم و ناخن‌هایم را تا ته می‌جویدم.

• **فضا سازهای جمله انگلیسی:** گروه حرف اضافه «down through Hāfez and Khayyám» و «to the cuticles»

• **فضا ساز جمله فارسی:** گروه حرف اضافه «تا ته»

• **اصل دسترسی:** «حافظ و خیام»، بر اساس اصل دسترسی، و به دلیل نقش کاربردی متناظر، به کتاب‌های این دو شاعر اشاره دارند.

• **پیش‌انگاری:** فعل تکرارنمای «go back/برگشتن» در هر دو جمله به طور یکسان موجب پیش‌انگاری شده است.

گروه‌های حرف اضافه «through Hāfez and Khayyám» و «down to cuticles» دو فضا ساز صریح جمله انگلیسی هستند. در جمله ترجمه شده، دقیقاً همچون جمله انگلیسی، مترجم با انتخاب معادل‌هایی برای عناصر ذکر شده و با بهره‌گیری از وجه و زمان فعل، همان فضای ذهنی جمله اصلی را برای مخاطبان فارسی‌زبان ایجاد نموده است. ولی در این جمله، گروه حرف اضافه «تا ته»، تنها عنصریست که نقش فضا ساز جمله فارسی را ایفا کرده و عمق اضطراب راوی را فضا سازی می‌کند. در این جمله

یکسان بودن نوع و تعداد فضا ساز، شاهد آن هستیم که در ترجمه، فضا سازها معادل یکدیگر نیستند و ذهن مخاطب های متن مبدأ و مقصد و توجه ایشان را به دو موضوع مختلف معطوف می سازند. به نظر می رسد این گونه موارد، در بعضی جملات، به دلیل تأکید مترجم بر عدم ترجمه متن به طور تحت اللفظی و ارائه ترجمه ای سلیس و روان است؛ بنابراین این چنین به ذهن می رسد که مترجم گاهی برای حفظ روانی و سلیس بودن ترجمه، ناگزیر به تغییر فضای تمرکز یا فضای کانونی جمله اصلی در متن ترجمه می شود تا در عین ارائه نزدیکترین معادل برای متن مقصد، شیوایی کلام را نیز حفظ نماید.

در این جمله، در عین یکسان بودن نوع و تعداد فضا سازها، این عناصر معادل یکدیگر نیستند و ذهن مخاطبان متن مبدأ و مقصد و توجه ایشان را به دو موضوع مختلف معطوف می سازند.

But the hands and the back hurt truly.

اما دستام و پشتم راست راستی درد می کنه.

- فضا ساز جمله انگلیسی: قید «truly»
- فضا ساز جمله فارسی: قید «راست راستی»
- پیش انگاری: _____

در این جمله، حرف ربط همپایه ساز «but»، فضای ذهنی جمله را در تقابل با فضایی قرار می دهد که پیش تر در ذهن خواننده شکل گرفته است. به واسطه این عنصر، ذهن مخاطب در پی مقایسه این دو فضا و کشف تفاوت های آن بر می آید. در ترجمه این جمله، تناظر یک به یک میان عناصر و فضا سازهای جمله اصلی دیده می شود و به همین دلیل، فضای ذهنی جمله اصلی و ویژگی های آن، عیناً به مخاطب فارسی زبان انتقال یافته است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به بررسی داده های پژوهش مشخص گردید که از میان کل عناصر فضا ساز، انواع قید در جملات انگلیسی ۴۰/۷٪ و در جملات فارسی ۳۸/۷٪، گروه های حرف اضافه در جملات انگلیسی ۴۵/۷٪ و در جملات فارسی ۵۰/۲٪ فراوانی داشته اند. پس از آن عناصر منفی ساز به ترتیب در جملات انگلیسی ۵/۴٪ و در جملات فارسی ۵/۹٪، عناصر

- فضا سازهای جمله انگلیسی: عنصر منفی ساز «not» و قیدهای «aloud» و «when»

- فضا سازهای جمله فارسی: عنصر منفی ساز بر سر فعل «بیاد نداشت» و گروه های حرف اضافه «از کی»، «در تنهایی»، «به صدای بلند»

- پیش انگاری: فعل استلزامی «did not remember» و فعل تغییر وضعیت «start» و معادل فارسی آنها در ترجمه، پیش انگاری یکسانی را به همراه دارد.

در این جمله دو فضا ساز موجود در متن اصلی، به یک فضا ساز در متن ترجمه، تقلیل یافته است؛ اما با وجود این، تغییر و تفاوتی در فضای ذهنی جمله انگلیسی و معادل فارسی آن، احساس نمی شود. در این جمله، تعداد و نوع فضا سازها کاملاً با هم منطبق نیستند و شاهد تغییر در نوع و تعداد فضا سازها هستیم؛ ولی با این حال، فضای ذهنی دو جمله، تفاوت محسوس با یکدیگر ندارند.

فعل استلزامی «did not remember»، قید «when» و فعل تغییر وضعیت «start»، این پیش انگاری را برای مخاطب متن مبدأ به همراه دارد که پیرمرد پیش تر از این نیز، در تنهایی و با صدای بلند، عادت به صحبت کردن با خود داشته است. در جمله فارسی نیز همین پیش انگاشتی با عناصر معادلی از جمله، فعل «به یاد نداشت»، قید پرسشی «از کی» و فعل «بنا کردن» برای مخاطب فارسی زبان حاصل می شود.

“I need a pencil for that” he said

ترجمه: گفت: «باید با قلم حساب کنم».

- فضا ساز جمله انگلیسی: گروه حرف اضافه «for that»

- فضا ساز جمله فارسی: گروه حرف اضافه «با قلم»

- پیش انگاری: فعل «need» در جمله انگلیسی، این پیش انگاری را برای مخاطب خود به همراه دارد که عنصر این فضا در حال حاضر قلم در اختیار ندارد؛ اما این پیش انگاری به ترجمه فارسی انتقال نیافته است.

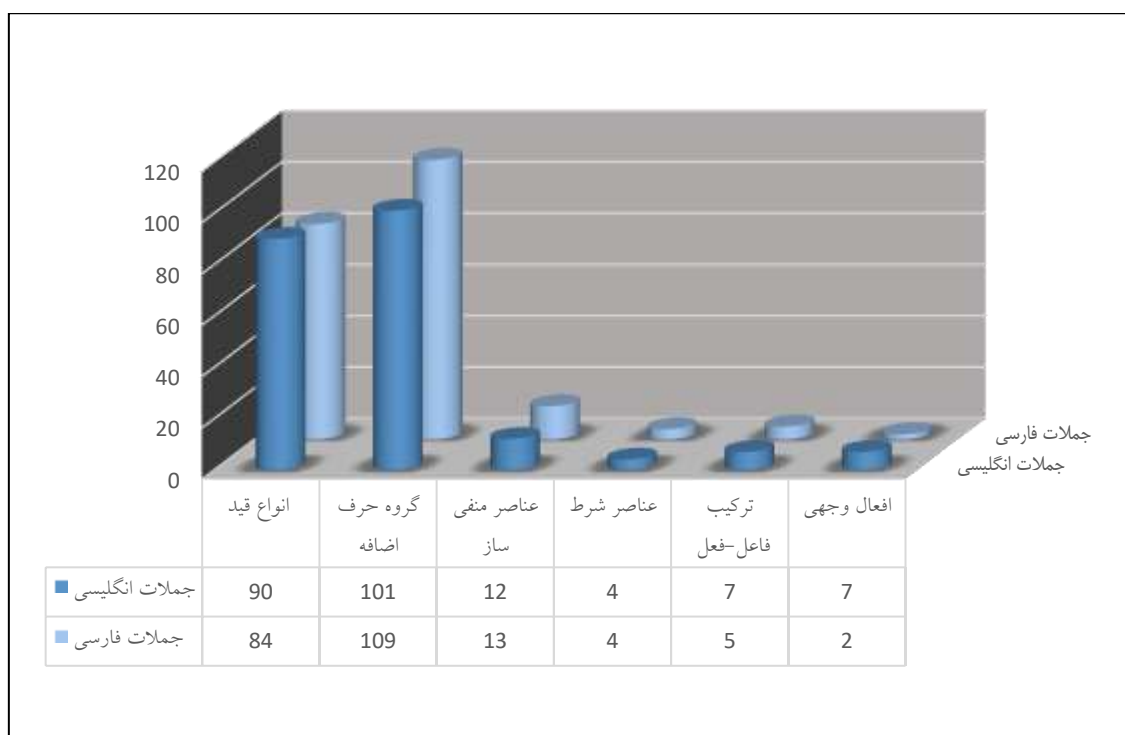
در جمله فوق، گروه حرف اضافه «for that»، فضا ساز جمله انگلیسی بوده و ذهن مخاطب را به سوی آن چیزی سوق می دهد که عنصر «he» برای آن، نیاز به قلم دارد؛ ولی در جمله فارسی، گروه حرف اضافه «با قلم»، که فضا ساز جمله است، ذهن مخاطب را به قلم و نه آنچه برای آن، به قلم نیاز است، سوق می دهد. در این جمله، در عین

۱. فضایی که در آن، محتوای جدیدی به گفتن افزوده شده و در مرکز توجه قرار می گیرد.

شرط در جملات انگلیسی ۱/۸۱٪ و در جملات فارسی ۱/۸۴٪، ترکیب فاعل-فعل کنشی در جملات انگلیسی ۳/۱٪ و در جملات فارسی ۲/۳٪ درصد و در نهایت افعال وجهی در جملات انگلیسی ۳/۱٪ و در جملات فارسی ۰/۹٪ از فراوانی و بسامد تکرار در جملات و داده‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در جدول و نمودار ۱ این آمار ارائه گردیده است.

جدول ۱. آمار کلی فضاها در دو رمان بادبادک‌باز و پیرمرد و دریا

درصد		مجموع فضاها		انواع فضاها
جملات فارسی	جملات انگلیسی	جملات فارسی	جملات انگلیسی	
۳۸/۷٪	۴۰/۷٪	۸۴	۹۰	انواع قید
۵۰/۲٪	۴۵/۷٪	۱۰۹	۱۰۱	گروه حرف اضافه
۵/۹٪	۵/۴٪	۱۳	۱۲	عناصر منفی‌ساز
۱/۸۴٪	۱/۸۱٪	۴	۴	عناصر شرط یا (if-clause)
۳/۱٪	۳/۱٪	۵	۷	ترکیب فاعل- فعل (افعال کنشی ذهنی)
۰/۹٪	۳/۱٪	۲	۷	افعال وجهی
		۲۱۷	۲۲۱	جمع کل



نمودار ۱. فراوانی انواع فضاها در دو رمان بادبادک‌باز و پیرمرد و دریا

جدید، پربسامدترین نوع فضاها بوده و بیشترین نقش را در شکل‌گیری فضاهای ذهنی مخاطبان هر دو متن انگلیسی و فارسی ایفا می‌کنند.

همچنین، بر مبنای نظر لیو و گائو (۲۰۱۰) وقتی گوینده و شنونده طی گفت‌وگو، معناسازی می‌کنند، فضاهای ذهنی مرتبطی در ذهن آنان شکل می‌گیرد و به‌طور ناخودآگاه، عملکردهایی روان‌شناختی از خود نشان می‌دهند که متعاقب

با توجه به تقسیم‌بندی فوکونیه (۱۹۹۷-۱۹۹۸) از فضاها، تعریف وی از این عناصر، فضاها عناصری هستند که با ایجاد فضاهای ذهنی جدید در گفت‌وگو و یا معطوف نمودن توجه مخاطب به فضایی جدید باعث فضاسازی و انتقال فضا می‌شوند. با توجه به این موضوع، فضاها گروه حرف اضافه‌ای و قیدی، با داشتن بیشترین عملکرد در معطوف نمودن توجه مخاطب به فضای ذهنی

آن، فضاهایی مشابه در ذهن آنان شکل می‌گیرند. بدین ترتیب شفافیت و مشابهت اطلاعات در فضای ذهنی ایجاد شده در ذهن گوینده و شنونده باعث شکل‌گیری فضایی همسان شده و در نتیجه موجب درک متقابل آنان می‌گردد. حال این موضوع را به فضاهای ذهنی دو خواننده که زبانی متفاوت دارند و به واسطه ترجمه، با متن واحدی مواجه می‌شوند، تعمیم می‌دهیم. بر اساس این دیدگاه، تحلیل داده‌های پژوهش حاکی از آنست که فضا سازها و به تبع آن، فضاهای ذهنی متن مبدأ با بیشترین مشابهت به متن مقصد انتقال یافته‌اند و این از طریق همسانی حداکثری فضا سازها و مشابهت اطلاعاتی است که از طریق یک متن در فضای ذهنی هر دو خواننده وارد می‌شود. دلیل تفاوت‌هایی که در مواردی دیده می‌شود، تمایزات ساختاری دو زبان است که چنانچه مترجم تبحر کافی در ترجمه نداشته باشد، عدم انتقال صحیح آن موجب عدم شفافیت و مشابهت اطلاعات دو فضای ذهنی و در نتیجه مغایرت فضاهای ذهنی خواننده متن مبدأ و مقصد خواهد گردید.

با بررسی داده‌های انگلیسی و تطبیق آماری آنها با جملات فارسی معادل، مشخص گردید که طی فرایند ترجمه، در بیشتر موارد، فضا سازهای متن مقصد، از نظر نوع و تعداد، با فضا سازهای متن مبدأ مطابقت داشته و فضاهای ذهنی همسانی را خلق نموده‌اند. در واقع، مترجم در اکثر موارد و تا آنجا که ویژگی‌ها و تفاوت‌های ساختاری، نحوی و واژگانی زبان مقصد این اجازه را به او داده است، از معادل‌هایی همسان، به لحاظ نوع و نقش دستوری استفاده نموده و سعی در انتقال همسان این عناصر به زبان مقصد داشته است. با وجود این، در مواردی نیز شاهد کاهش، افزایش و یا تغییر در نوع فضا سازها، طی برگردان جمله از زبان مبدأ به مقصد بوده‌ایم.

از جمله دلایلی که با توجه به تحلیل داده‌ها می‌توان برای این گونه تفاوت‌ها برشمرد، تفاوت‌های ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد (فارسی و انگلیسی) است. بررسی جملاتی که در آنها با کاهش، افزایش و یا حتی حذف فضا سازهای متن اصلی مواجه شدیم، حکایت از آن دارد که این تغییرات در نوع و تعداد فضا سازها در اکثر موارد، به دلیل تمایز در ویژگی‌های نحوی یا دستوری زبان و اقتضائاتی است که مترجم را ناگزیر به استفاده از فضا سازهایی از نوع و نقش دستوری دیگر و در بعضی موارد، حذف آنها نموده است؛ اما با وجود این، تفاوت فاحشی در فضای ایجاد شده نزد

مخاطبان دو زبان دیده نمی‌شود؛ زیرا به عقیده زرکسی (۲۰۱۲) حتی اگر فرایند فضا سازی با اطلاعات و عناصر زبانی هم صورت پذیرد، باز هم خلاء فضاها به تنهایی با زبان‌شناسی اشیاع نمی‌شود؛ زیرا تشکیل بخشی از بازنمایی‌های ذهنی نیز بر عهده ذهن و فضاهای ذهنی است و در نهایت، این اطلاعات ذهنی و به تبع آن روان‌شناختی مخاطب است که در ایجاد جزئیات فضاها و فضا سازی دخیل است

ویژگی‌های سبکی^۱ مترجم در انتقال مفاهیم متن مبدأ به زبان مقصد، تفاوت افعال و واحدهای زبانی متن مبدأ و مقصد در همراهی با حروف اضافه و در مواردی نیز اهتمام مترجم جهت جلوگیری از ورود ساختار زبان مبدأ به جمله متن مقصد و یا به عبارت دیگر، پابندی وی به حفظ ساختار جمله در زبان مقصد از جمله موارد تفاوت در فضا سازهای دو جمله است.

از دیگر تفاوت‌هایی که در فضا سازها دیده می‌شود تغییر در نوع آنها، در دو زبان مبدأ و مقصد است؛ به عنوان مثال مترجم عبارتی فعلی یا قیدی را جهت انتقال ساده‌تر معنا و یا جلوگیری از اطباب کلام، به صورت گروه حرف اضافه به زبان مقصد منتقل می‌سازد. البته لازم به ذکر است که این گونه تفاوت‌ها و تغییر نوع فضا سازها، از آنجا که نقش فضا سازی را از عنصر انتقال یافته، سلب نمی‌کند، در فرایند شکل‌گیری و انتقال فضای ذهنی جمله، خللی وارد نمی‌سازد. پدیده پیش‌انگاری نیز در داده‌های پژوهش، در اکثر موارد، به‌طور یکسان به متن ترجمه انتقال یافته است. با وجود این، در مواردی علی‌رغم فضا سازی یکسان، پیش‌انگاری‌ها با یکدیگر منطبق نبودند که این موارد نیز به دلیل عدم حضور عناصر پیش‌انگاره سازی بوده‌اند که مترجم، احتمالاً، به دلیل عدم آشنایی با پیش‌انگاره سازها و یا بی‌توجهی به نقش و اهمیت این عناصر، آنها را به متن مقصد انتقال نداده است.

همچنین ذکر این نکته نیز ضروریست که عوامل بافتی و کاربردشناختی نیز از طریق رفع ابهام از ماهیت عناصر یا ساختار جمله، در شکل‌گیری جزئیات فضاهای ذهنی از

۱. منظور از سبک مترجم، سبک‌های رایج در حوزه ادبیات نیست؛ بلکه شیوه و روشی منحصر به یک مترجم است که وی در ساختار بندی جمله و نحوه به‌کارگیری عناصر زبانی در ترجمه خویش اتخاذ می‌کند و ترجمه او از یک متن را از ترجمه مترجم دیگر از همان متن متفاوت می‌سازد.

در پایان، بایستی خاطر نشان کرد که ترجمه‌های فارسی بسیار از متون انگلیسی متعددی علمی، مذهبی، سیاسی و غیره مربوط به دوره‌های گوناگون وجود دارند که به دلیل عدم وجود زمان و ظرفیت لازم در قالب این کار پژوهشی، به آنها پرداخته نشده است و همین تعدد آثار می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های بیشتر در این حوزه فراهم سازد. بررسی ترجمه متون مختلف علمی، مذهبی و حتی ژانرهای ادبی دیگر، از جمله پیشنهاداتی است که می‌تواند برای پژوهش‌های آینده مدنظر قرار گیرد.

سپاسگزاری

شکر شایان نثار ایزد مئان و سپاس و امتنان بی‌کران از استاد گرامی، فرزانه و اندیشمندم، سرکار خانم **دکتر سیده فاطمه علوی**، که در سمّت استاد راهنما، همواره نگارنده را مورد لطف و محبت خویش قرار داده و در کمال سعه صدر و با حسن خلق و فروتنی از هیچ راهنمایی دریغ ننمودند. از استاد گرامی و ارجمند، سرکار خانم **دکتر فاطمه کرم‌پور** نیز که به عنوان استاد مشاور، در پیشبرد این پژوهش مرا یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

اهمیت زیادی برخوردارند. در مواردی که با تفاوت در تعداد فضاها مواجه می‌شویم نیز این عوامل بافتی و کاربردشناختی هستند که به کمک مخاطب آمده و در شکل‌گیری فضای ذهنی همسان به وی کمک می‌کنند و او را به درکی همسان با مخاطب متن مبدأ می‌رسانند. نقش این عوامل به‌ویژه در درک عناصر فضاهای ذهنی، مخصوصاً در مواقعی که از ضمیر ارجاعی یک عنصر به جای خود آن، استفاده شده است، بسیار مهم و چشمگیر ارزیابی گردید. در این راستا، گلفام و عبدالکریمی (۱۳۸۹) نیز معتقدند که نظریه فضاهای ذهنی، خود نیز نقشی تأثیرگذار در ابهام‌زدایی معنایی ایفا می‌کند و با تسهیل نمودن تفکیک فضاها به روشن شدن معنای جملات کمک می‌کند.

لازم است به این نکته اشاره شود که این پژوهش نیز همچون هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که از جمله آنها می‌توان به عدم دسترسی آسان به پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی مرتبط با موضوع تحقیق در برخی پایگاه‌های اطلاعاتی داخل کشور و همچنین عدم دستیابی به منابعی که به طور مستقیم به موضوع مورد مطالعه و تحقیق مربوط باشد، اشاره کرد.

منابع

- آفاگل زاده، فردوس و عباسی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی. *ادب‌پژوهی*، ش ۲۰، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- حسینی، خالد (۱۳۹۶). *بادبادک‌باز* (چاپ دوازدهم)، ترجمه مهدی غبرائی. تهران: نیلوفر.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی* (چاپ هفتم، ویراست دوم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۶). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت.
- ربّانی، فائزه (۱۳۹۶). *نقش زمان دستوری و وجه فعل در ایجاد فضاهای ذهنی: رویکرد شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زبان، نجمه (۱۳۸۸). *بررسی فضاهای ذهنی در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- صغوی، کوروش (۱۳۸۰). *منطق در زبان‌شناسی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- صغوی، کوروش (۱۳۹۲). *درآمدی بر معنی‌شناسی* (چاپ پنجم). تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- عامری، حیات، خیرآبادی، رضا، و خیرآبادی، معصومه (۱۳۹۴). *بررسی فضاهای ذهنی در متون خبری روزنامه‌های ایران*. *فصلنامه علم زبان*، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۷۸.
- کیخا، فاطمه (۱۳۹۷). *توصیف فضاهای ذهنی نسیم جوزف داوود در ترجمه جزء ۲۹ قرآن کریم بر اساس دیدگاه فوکونیه* (۱۹۹۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. سیستان و بلوچستان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- گلفام، ارسلان، و عبدالکریمی، سپیده (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). *نقش نظریه فضاهای ذهنی در برطرف کردن نابهنجاری معنایی و ابهام‌زدایی ارجاعی*. *فصلنامه پازند*، ش ۲۳، ص ۶۵-۷۷.
- گلفام، ارسلان، و علوی، فاطمه (زمستان ۱۳۸۵-۱۳۸۶). *نقش نظریه فضاهای ذهنی در ابهام‌زدایی ارجاعی*. *فصلنامه پازند*، ش ۲۳، ص ۶۵-۷۷.

- بهار ۱۳۸۶). نگاهی به معناشناسی فضاهای ذهنی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ش ۶۳ و ۶۴ ص ۲۰۹-۲۳۲.
- مشایخی، ناهید (۱۳۹۲). فضا سازهای ذهنی در کتاب‌های theory to the analysis of definite and indefinite noun phrases. (*Tidsskrift for Sprogforskning*) *Journal for Language Research*, 4(1), 245-273.
- Kémense, Á. (2012). The definite article regarded as markers of accessibility between mental spaces. *Acta Universitatis Sapientiae, Philologica*, 4, 290-295.
- Levinson, S. C. (1997). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Liu, H., & Gao, Y. (2010). Mental space theory and misunderstanding. *English Language Teaching*, 3, 75-86.
- Mizraji, E. (2017). Towards the neural modeling of mental spaces. *Proceedings of Computing Conference*, London: UK, Pp. 692-696.
- Oakley, T., and Hougaard, A. (2008). Mental spaces and discourse analysis. In T. Oakley & A. Hougaard (Eds.), *Mental spaces in discourse and interaction* (pp. 1-26). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing
- O'Reilly, C. (2014). *Computational linguistic models of mental spaces*. Master's thesis. UK: University of Essex.
- Saeed, J. I. (2012). *Semantics* (3rd edition). Oxford: Wiley-Blackwell.
- Szerencsi, K. (2012). Grammatical devices for building spaces in cognitive semantics. *Acta Universitatis Sapientiae, Philologica*, 4(2), 261-274.
- Sweetser, E. (2000). *Blended spaces and performity*. *Cognitive Linguistics*, 2, 305-333.
- Williams, R. F. (2008). Guided conceptualization: Mental spaces in instructional discourse. In T. Oakley & A. Hougaard (Eds.), *Mental spaces in discourse and interaction* (pp. 209-234). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.
- داستان کودکان در زبان فارسی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- همینگوی، ارنست (۱۳۸۵). پیرمرد و دریا (چاپ سوم)، ترجمه نجف دریابندری. تهران: خوارزمی.
- Alexander, M. G. (2011). *Meaning construction in popular science: An investigation into cognitive, digital, and empirical approaches to discourse reification*. PhD dissertation. University of Glasgow, Scotland, UK.
- Brandt, P. A. (2005). Mental spaces and cognitive semantics. *Journal of Pragmatics*, 37, 1578- 1594.
- Croft, W., and Cruse, D. A. (2004). *Cognitive linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eilbert, J. L., & Hicinbothom, J. (2006). A cognitive framework for modeling mental spaces construction and switching during situation assessment. *Proceedings of the 19th International Florida Artificial Intelligence Research Society Conference (FLAIRS)* (pp. 631-636), Florida: USA.
- Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fauconnier, G. (1998). *Mental spaces: Aspects of meaning construction in natural language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fauconnier, G. (1997). *Mappings in thought and language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gawronska, B., Erlendsson, B., & Torstensson, N. (2004). Defining and classifying space builders for information extraction. In B. Sharp (Ed.), *Natural language understanding and cognitive science* (pp.15-27). Portugal: INSTICC Press.
- Harder, P. (2003). Mental spaces: Exactly when do we need them? *Cognitive Linguistics*, 14, 91-96.
- Hemingway, E. (1990). *The old man and the sea*. London: Triad Grafton Book.
- Hosseini, K. (2003). *The kite runner*. New York: Riverhead Books.
- Jensen, H. D. (2006). An application of the role-value distinction in mental spaces